یادداشت

میراث ترامپ در میز مذاکره

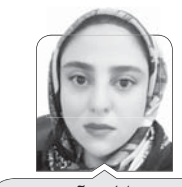

نیروانا مهرآیین
فعال خاورمیانه

در نظریه و عمل حقوق بین‌الملل، رضایت دولت‌ها مبنای مشروعیت هر تعهد بین‌المللی محسوب می‌شود. هیچ معاهده‌ای، صرف‌نظر از موضوع یا طرفین آن، بدون احراز رضایت آزاد و آگاهانه دولت‌ها، واجد اعتبار حقوقی پایدار نیست. این اصل، نه‌تنها در دکترین حقوق بین‌الملل، بلکه به‌صورت صریح در کنوانسیون ۱۹۶۹ وین درباره حقوق معاهدات مورد شناسایی قرار گرفته است. با این حال، بررسی روند مذاکرات میان ایران و ایالات متحده در سال‌های اخیر، به‌ویژه در بستر سیاست فشار حداکثری دولت دونالد ترامپ، نشان‌دهنده شکل‌گیری نوعی «بحران رضایت» است که مشروعیت حقوقی مذاکره تحت فشار را با تردیدهای جدی مواجه می‌سازد.

مطابق ماده ۵۲ کنوانسیون وین، هر معاهده‌ای که انعقاد آن «در نتیجه تهدید یا استفاده از زور» صورت گرفته باشد، باطل و فاقد اثر حقوقی است. هرچند این ماده ناظر بر زور نظامی است، اما تفسیر موسع آن در دکترین معاصر حقوق بین‌الملل، به‌ویژه در پرتو تحول مفهوم زور، شامل اشکال نوین اجبار نیز می‌شود. تحریم‌های فراگیر، تهدید مستمر به اقدام نظامی و اعمال فشارهای اقتصادی سازمان‌یافته، در بسیاری از تحلیل‌های حقوقی، به‌عنوان مصادیق «اجبار ناموجه» تلقی می‌شوند که می‌توانند اراده آزاد دولت‌ها را مخدوش کنند.

اندیشمندان حقوق بین‌الملل ایران با تکیه بر همین مبانی، استدلال می‌کنند که مذاکره‌ای که در بستر چنین فشارهایی شکل می‌گیرد، از حیث حقوقی با یک نقص بنیادین مواجه است. در این وضعیت، رضایت دولت نه نتیجه انتخاب آزاد، بلکه حاصل شرایط اضطراری و فقدان گزینه‌های واقعی است. این تمایز، از منظر حقوق معاهدات، اهمیتی اساسی دارد؛ چراکه تفاوت میان رضایت و تسلیم، تفاوت میان تعهد معتبر و توافق شکننده است.

دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ در ایالات متحده، به‌عنوان یک مطالعه موردی برجسته، به‌روشنی این بحران را نمایان می‌سازد. خروج یک‌جانبه آمریکا از توافق هسته‌ای که پیش‌تر در قالب قطع‌نامه شورای امنیت سازمان ملل نیز تأیید شده بود، نه‌تنها نقض تعهدات بین‌المللی محسوب می‌شود، بلکه نشان‌دهنده بی‌اعتنایی آشکار به اصل وفای به عهد (Pacta Sunt Servanda) است؛ اصلی که در ماده ۲۶ کنوانسیون وین به‌عنوان یکی از ستون‌های حقوق معاهدات تثبیت شده است. حقوق‌دانان ایرانی معتقدند رفتار دولت ترامپ، از یک سو اعتبار تعهدات آمریکا را به‌شدت تضعیف کرد و از سوی دیگر، مفهوم رضایت در مذاکرات آتی را با بحران مواجه ساخت. هنگامی که یک دولت نشان می‌دهد تعهدات خود را تابع تغییرات سیاسی داخلی می‌داند، طرف مقابل عملا نمی‌تواند اطمینان یابد که رضایت امروز، فردا نیز محترم شمرده خواهد شد. در چنین شرایطی، مذاکره نه ابزار تنظیم روابط حقوقی پایدار، بلکه اقدامی موقت برای مدیریت فشار تلقی می‌شود. از منظر تحلیلی، سیاست فشار حداکثری ترامپ نمونه‌ای کلاسیک از «دیپلماسی اجبار» است که در آن، مذاکره نه جایگزین تهدید، بلکه مکمل آن است. این الگو، به‌جای کاهش تنش، تلاش می‌کند رضایت طرف مقابل را در شرایط عدم توازن ساختاری تولید کند. اندیشمندان حقوق بین‌الملل ایران تأکید دارند که چنین رضایتی، حتی اگر در قالب توافق رسمی متجلی شود، فاقد پشتوانه حقوقی و اخلاقی لازم برای تداوم است. نکته قابل‌توجه آن است که پیامدهای این رویکرد، صرفا محدود به روابط دوجانبه ایران و آمریکا نیست. عادی‌سازی مذاکره تحت فشار، به تضعیف کلی نظم حقوقی بین‌المللی می‌انجامد. اگر پذیرفته شود که تهدید و تحریم می‌توانند ابزار مشروع تولید رضایت باشند، آنگاه اصل حاکمیت برابر دولت‌ها عملا بی‌معنا خواهد شد و حقوق بین‌الملل به ابزاری در خدمت قدرت‌های مسلط تقلیل می‌یابد.

در همین چارچوب، مخالفت اندیشمندان حقوق بین‌الملل ایران با مذاکره تحت فشار، نه از سر نفی دیپلماسی، بلکه از موضع دفاع از منطق حقوقی نظام بین‌الملل قابل فهم است. از نگاه آنان، مذاکره‌ای که پیش‌فرض آن تهدید باشد، حتی در صورت دستیابی به توافق، به تثبیت الگویی نابرابر و خطرناک منجر می‌شود؛ الگویی که در آن، اجبار جایگزین رضایت و فشار جایگزین حقوق می‌شود. در جمع‌بندی، تحلیل حقوقی مذاکرات ایران و آمریکا، به‌ویژه با تمرکز بر تجربه دوران ترامپ، نشان می‌دهد که بحران رضایت یکی از چالش‌های اساسی این فرایند است. تا زمانی که تهدید، تحریم و بی‌اعتنایی به تعهدات پیشین ادامه داشته باشد، هرگونه مذاکره نه‌تنها از منظر منافع ملی ایران، بلکه از حیث اصول بنیادین حقوق بین‌الملل نیز با پرسش‌های جدی مواجه خواهد بود.

خبر

توضیح معاون دفتر پزشکیان درباره خبر انتصاب دبیر شورای دفاع

معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهوری درباره انتشار خبر انتصاب دبیر شورای دفاع توضیحی ارائه کرد. مهدی طباطبایی در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «شورای دفاع در ایام جنگ ۱۲روزه به عنوان یک شورا ذیل شورای عالی امنیت ملی تشکیل شد. حکم رئیس‌جمهور به دبیر این شورا نیز جدید نیست و ضرورتی بر انتشار آن هم نبوده است». آخر هفته گذشته خبری مبنی بر انتصاب دریابان علی شمخانی، مشاور سیاسی رهبری انقلاب و نماینده ایشان در شورای دفاع به عنوان دبیر این شورا از سوی رئیس‌جمهوری منتشر شده است.

محکومیت شدید اقدام تروریستی در پاکستان

سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان اقدام تروریستی در پاکستان را به‌شدت محکوم کرد. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه اقدام تروریستی در مسجد حضرت «خدیجه کبری» (س) در منطقه ترلای اسلام‌آباد، پایتخت پاکستان، در جریان برگزاری نماز جمعه که منجر به شهید و زخمی شدن تعدادی از نمازگزاران شد را به‌شدت محکوم کرد. بقایی ضمن تسلیت به خانواده شهدا و دولت و مردم پاکستان، از خداوند بزرگ برای مجروحان این اقدام جنایتکارانه، بهبودی و سلامتی مسئلت کرد. سخنگوی وزارت امور خارجه با تأکید بر موضع اصولی جمهوری اسلامی ایران در محکومیت قاطع همه اشکال و مظاهر تروریسم و افراطی‌گری خشن، پیشگیری و مقابله با پدیده شوم تروریسم را مستلزم همکاری و هماهنگی همه کشورهای منطقه و مبارزه مستمر با مرتکبان، سازمان‌دهندگان، پشتیبانان و حامیان مالی آن دانست.

نگاهی به سفر صدراعظم آلمان به خلیج فارس

بازآرایی رویکرد اروپا در قبال ایران

محسن شریف‌خدائی
تحلیلگر روابط بین‌الملل

سفر اخیر فریدریش مرتس، صدراعظم آلمان به عربستان، قطر و امارات در شرایطی انجام شد که منطقه خلیج فارس در آستانه دور تازه‌ای از گفت‌وگوهای ایران و آمریکا در مسقط قرار دارد و نگرانی از تشدید تنش و احتمال درگیری نظامی میان دو طرف به طور محسوس افزایش یافته است. این سفر، هرچند در ظاهر با محوریت انرژی، سرمایه‌گذاری و همکاری‌های اقتصادی بازتاب یافت، اما در واقع بخشی از تلاش آلمان برای بازتعریف نقش خود در نظم جدید و مدیریت پیامدهای احتمالی هرگونه درگیری در خلیج فارس به شمار می‌آید. آلمان که پس از جنگ اوکراین به دنبال تنوع‌بخشی به منابع انرژی و کاهش وابستگی به روسیه است، اکنون بیش از هر زمان دیگری به ثبات در خلیج فارس و روابط نزدیک با قدرت‌های میانی این منطقه نیازمند است. از همین رو، سفر صدراعظم آلمان را باید اقدامی چندلایه دانست که هم اهداف اقتصادی و هم اهداف ژئوپلیتیک و امنیتی را دنبال می‌کند.

این سفر از نظر حقوقی و رسمی، یک سفر ملی بود و صدراعظم آلمان به نمایندگی از کشور خود وارد منطقه شد. اما در عمل، وزن سیاسی آلمان در اتحادیه اروپا به‌گونه‌ای است که هر حرکت دیپلماتیک آن، بازتاب اروپایی پیدا می‌کند. کشورهای خلیج فارس نیز آلمان را نه صرفا یک بازیگر ملی، بلکه یکی از دو ستون اصلی سیاست خارجی اتحادیه اروپا می‌دانند. بنابراین، هرچند این سفر به عنوان مأموریت اتحادیه اروپا معرفی نشد، اما پیامدهای آن فراتر از سطح دوجانبه و در چارچوب سیاست‌های کلی اروپا قابل تحلیل است.

در گفت‌وگوهای صدراعظم آلمان با رهبران کشورهای خلیج فارس، موضوع ایران و احتمال تشدید تنش میان تهران و واشنگتن حضوری پررنگ داشت. کشورهای منطقه نگران‌اند هرگونه درگیری مستقیم، امنیت انرژی، مسیرهای صادراتی و ثبات داخلی آنها را تهدید کند. آلمان نیز که در حال بازسازی ساختار انرژی خود است، به‌شدت از پیامدهای چنین بحرانی آسیب‌پذیر خواهد بود. از این منظر، سفر صدراعظم آلمان را می‌توان تلاشی برای دریافت ارزیابی دقیق‌تر از فضای منطقه، هماهنگی با بازیگران کلیدی و حتی ایفای نقش غیرمستقیم در کاهش تنش دانست. قطر و عمان سال‌هاست کانال‌های ارتباطی مهمی میان ایران و آمریکا بوده‌اند و نزدیکی آلمان به این کشورها می‌تواند به برلین امکان دهد درک بهتری از روندهای پشت‌پرده داشته باشد.

این درحالی است که طی هفته‌های اخیر، لحن صدراعظم آلمان درباره ایران تندتر شده. این تغییر لحن را باید در سه سطح تحلیل کرد: نخست، سطح سیاست داخلی آلمان: جامعه آلمان پس از جنگ اوکراین نسبت به تهدیدهای امنیتی حساس‌تر شده و انتظار دارد دولت مواضع سخت‌گیرانه‌تری در برابر بازیگرانی اتخاذ کند که از نگاه غرب رفتارهای بی‌ثبات‌کننده دارند. دوم، سطح روابط با آمریکا: آلمان در حوزه امنیتی بیش از هر زمان دیگری به چتر ناتو و حمایت واشنگتن متکی است و همسویی با گفتمان آمریکا درباره ایران، به‌ویژه در موضوعات هسته‌ای و منطقه‌ای، برای برلین تقریبا اجتناب‌ناپذیر است. سوم، سطح رابطه تاریخی با اسرائیل: امنیت اسرائیل در سیاست خارجی آلمان یک اصل هویتی است و هرگونه تنش میان ایران و اسرائیل، فضای سیاسی آلمان را به سمت مواضعی سخت‌تر سوق می‌دهد. بنابراین، تندشدن ادبیات صدراعظم آلمان را باید نتیجه ترکیبی از فشارهای داخلی، الزامات امنیتی و ملاحظات تاریخی دانست.

اما پرسش مهم‌تر این است که چرا اروپا -آلمان، فرانسه و بریتانیا- مکانیسم ماشه علیه ایران را فعال کرد؟ اقدامی که نشان‌دهنده فاصله‌گرفتن اروپا از موضع حمایتی گذشته در قبال برجام به شمار می‌آید. نخست، کاهش تدریجی تعهدات هسته‌ای ایران و افزایش سطح غنی‌سازی -واکنش تهران به خروج آمریکا از برجام- اروپا را در موقعیتی قرار داد که دیگر نمی‌توانست از توافقی دفاع کند که عملا بخش‌های اصلی آن اجرا نمی‌شد. دوم، نگرانی اروپا از فعالیت‌های گروه‌های مقاومت طرفدار ایران در منطقه و افزایش تنش‌ها در خلیج فارس، دریای سرخ و مرزهای اسرائیل، فضای سیاسی اروپا را به سمت مواضع سخت‌تر سوق داد. سوم، همسویی فزاینده اروپا با آمریکا در جنگ اوکراین و مخالفت با ایران در آن همکاری با روسیه، باعث شد اروپا در قبال ایران نیز به سمت سیاست‌های هماهنگ‌تر با واشنگتن پیش رود. چهارم، تحولات اجتماعی ایران و اعتراضات گسترده، نگاه اروپا به ایران را از یک «شریک بالقوه» به یک «چالش سیاسی و حقوق بشری» تغییر داد و زمینه اجتماعی لازم برای چرخش سیاسی را فراهم کرد.

اروپا زمانی در کنار ایران در برجام ایستاده بود که تصور می‌کرد توافق می‌تواند هم برنامه هسته‌ای ایران را محدود کند و هم زمینه‌ای برای کاهش تنش‌های منطقه‌ای فراهم آورد. اما با تغییر شرایط، افزایش سطح غنی‌سازی، تشدید تنش‌های منطقه‌ای و فشارهای امنیتی ناشی از جنگ اوکراین، اروپا به این نتیجه رسیده که ادامه وضعیت موجود نه‌تنها به ثبات منطقه کمک نمی‌کند، بلکه امنیت انرژی و منافع راهبردی اروپا را نیز تهدید می‌کند. فعال‌شدن مکانیسم ماشه، نتیجه این تغییر محاسبات بود؛ تغییری که نشان می‌دهد اروپا اکنون بیش از گذشته ایران را نه یک شریک بالقوه، بلکه یک چالش امنیتی می‌بیند.

این چرخش را نمی‌توان به طور مطلق مثبت یا منفی دانست، بلکه باید آن را نتیجه محاسبات چندلایه اروپا در حوزه امنیت، انرژی و سیاست داخلی دانست. از نگاه اروپایی‌ها، این تغییر رویکرد فقط محصول فشار آمریکا نیست؛ هرچند نقش واشنگتن در شکل‌دهی به فضای امنیتی پس از جنگ اوکراین و در مدیریت پرونده هسته‌ای ایران بسیار پررنگ است. رفتار منطقه‌ای ایران، سطح غنی‌سازی و از جمله تحولات داخلی ایران و پیامدهای اجتماعی آن نیز در شکل‌دهی به افکار عمومی اروپا و سخت‌ترشدن فضای سیاسی علیه تهران نقش داشته است.

در همین چارچوب، نتایج دیدار پیش‌روی عراقچی، وزیر خارجه ایران، با ویتکاف، نماینده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا، در مسقط برای اروپا اهمیتی فراتر از یک گفت‌وگو می‌تواند داشته باشد. اروپا این دیدار را آزمونی برای سنجش میزان انعطاف‌پذیری تهران و واشنگتن و امکان بازگشت -حتی محدود- به مسیر دیپلماسی می‌داند. اگر این مذاکره نشانه‌ای از کاهش تنش یا توافق‌های مرحله‌ای ارائه دهد، اروپا به احتمال زیاد از شدت فشارهای خود خواهد کاست و فضای بیشتری برای تعامل با تهران ایجاد می‌کند. اما اگر نتیجه دیدار نشان‌دهنده افزایش شکاف میان دو طرف باشد، اروپا آن را تأییدی بر ضرورت ادامه مسیر سخت‌گیرانه و حتی تشدید ابزارهای فشار تلقی خواهد کرد. از نگاه اروپایی‌ها، نشست مسقط نه‌فقط درباره حل مسئله هسته‌ای میان ایران و آمریکا، بلکه درباره میزان پیش‌بینی‌پذیری رفتار ایران و امکان مدیریت بحران‌های منطقه‌ای است؛ موضوعی که مستقیما بر سیاست‌های آینده اروپا اثر خواهد گذاشت.

دیپلماسی در منطقه خاکستری

ادامه از صفحه ۲

او افزود که تعهدات باید محترم شمرده شوند و برابری، احترام متقابل و منافع متقابل، پایه یک توافق پایدار است. لازم به ذکر است که در میانه گفت‌وگوهای دیروز جمعه، فرمانده سنتکام نیز به مذاکرات پیوست تا به اعتقاد ناظران دیدگاه‌های نظامی آمریکا و ملاحظات امنیتی آنها در جلسات منعکس شود. این حضور نشانه‌ای از اهمیت بالای این مذاکرات و تمرکز طرف آمریکایی بر تضمین منافع امنیتی و کاهش ریسک‌های منطقه‌ای بود.

واکنش‌های منطقه‌ای و پیامدهای دیپلماتیک مذاکرات مسقط

در کنار تلاش‌های عمان برای تسهیل مذاکرات، کشورهای منطقه نیز با پیگیری فعال بر ادامه روند دیپلماسی تأکید کردند. فیصل بن فرحان آل سعود، وزیر امور خارجه عربستان سعودی، طی مصاحبه‌ای با الجزیره اعلام کرد که ریاض امیدوار است بحران میان آمریکا و ایران از طریق مسیرهای دیپلماتیک حل شود. او تصریح کرد که گفت‌وگوهای دیپلماتیک می‌تواند زمینه ثبات و آرامش پایدار در منطقه را فراهم کند و مانع تشدید تنش‌ها شود.

هم‌زمان، تماس‌های دیپلماتیک مصر با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و دیگر کشورها ادامه یافت تا از افزایش تنش‌ها جلوگیری شود. بدر عبدالعاطی، وزیر امور خارجه مصر، در گفت‌وگوی تلفنی با رافائل گروسی، مدیرکل آژانس، بر ضرورت خویشتن‌داری منطقه‌ای و تلاش برای کاهش تنش‌ها تأکید کرد و تحرکات دیپلماتیک مصر را برای حمایت از امنیت و ثبات منطقه تشریح کرد. ناظران منطقه‌ای و رسانه‌های بین‌المللی ازجمله الجزیره و المیادین تأکید کردند که مذاکرات مسقط در شرایطی حساس برگزار شد؛ جایی که تجربه تلخ مذاکرات پیشین و درگیری‌های نظامی، اعتماد طرفین را تحت فشار قرار داده و هرگونه توافق مستلزم تضمین‌های ملموس برای رفع تحریم‌ها و تضمین امنیت ایران است. همچنین نقش عمان به‌عنوان میزبان و میانجی، نقشی تعیین‌کننده در تسهیل ارتباط میان ایران و آمریکا و کاهش تنش‌های احتمالی داشت.

پیام مدیرکل آژانس به موازات مذاکرات عمان

رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، هم‌زمان با مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا در مسقط با میانجیگری عمان اعلام کرد که آژانس همواره آماده اعزام بازرسان خود به ایران برای نظارت بر تأسیسات هسته‌ای است. او در گفت‌وگو با شبکه روسیه ۲۴ گفت که بازرسان اکنون برخی تأسیسات ثانویه ایران را بررسی می‌کنند، اما آماده بررسی تأسیسات مهم‌تر و اصلی نیز هستند، ازجمله سایت‌هایی که اورانیوم غنی‌شده تا سطح ۶۰ درصد در آنها نگهداری می‌شود.

گروسی تأکید کرد که موضع آژانس بازگشت طرف‌ها به میز مذاکره و تضمین دسترسی کامل بازرسان به تأسیسات است تا هرگونه توافق به‌درستی اجرا شود. او افزود که با وجود نبود فعالیت ایران در زمینه سلاح هسته‌ای، این کشور قابلیت‌هایی در اختیار دارد و شکستن بن‌بست ایجادشده پس از جنگ ۱۲روزه ژوئن ضروری است. مدیرکل آژانس با اشاره به اختلاف دیدگاه‌های ایران و آمریکا گفت که نقش آژانس جایگزین‌ناپذیر است، زیرا تضمین رعایت توافقات تنها از طریق بازرسان ممکن است. به گفته گروسی، بدون نظارت دقیق، خطر بازگشت به تنش و درگیری وجود دارد و هرگونه پیشرفت دیپلماتیک مستلزم همکاری دو طرف و نظارت مؤثر آژانس خواهد بود.

سیدجلال ساداتیان: این دور از مذاکرات عمان، امید کوچک اما شکننده‌ای را شکل داد

سیدجلال ساداتیان، با نگاهی مثبت به دور تازه مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا در مسقط اظهار کرد «این دور از گفت‌وگوها توانسته امیدی شکننده و کم‌رنگ در فضای دیپلماتیک ایجاد کند؛ امری که اگر با دقت و جدیت دنبال شود، می‌تواند مسیر مذاکرات را به سمت توافق هدایت کند»، هرچند که این مدرس دانشگاه اذعان دارد که «کماکان گزینه جنگ روی میز قرار دارد و نمی‌توان آن را نادیده گرفت». نماینده ادوار مجلس با اشاره به تجربه جنگ ۱۲روزه و فعال‌شدن مکانیسم ماشه در دوره پیشین تأکید کرد که «اسرائیل به‌عنوان یک بازیگر منطقه‌ای و طرفی که علاقه‌ای به کاهش تنش ندارد، می‌تواند درصورتی‌که مذاکرات جدی‌تر شود، با مانع‌تراشی و اقدامات مخرب، جریان را به سمت تقابل نظامی هدایت کند»، بنابراین از دید او، «ضروری است که مذاکرات غیرمستقیم از قالب فعلی خارج و به شکل مستقیم دنبال شود تا پیامدها و تصمیم‌گیری‌ها شفاف‌تر و ملموس‌تر باشد».

ساداتیان همچنین بر لزوم بهره‌گیری از ظرفیت افرادی مانند محمدجواد ظریف تأکید کرد و گفت که «تیم فعلی در چارچوب مذاکرات غیرمستقیم توان ایجاد نتایج مثبت و پایدار در دوره‌های بعدی را ندارد و تجربه قبلی نشان داده است که نقش شخصیت‌هایی با تجربه دیپلماتیک گسترده می‌تواند مسیر مذاکرات را به شکل معناداری تغییر دهد». سفیر پیشین ایران در انگلستان درعین‌حال هشدار داد «نگاه به این دور از مذاکرات نباید با چارچوب پنج دور پیشین مذاکره قبل از جنگ ۱۲روزه و فعال‌سازی مکانیسم ماشه اشتباه گرفته شود، زیرا تحولات داخلی ایران، اعتراضات دی‌ماه و تغییرات فضای منطقه‌ای و جهانی، معادلات را به‌کلی دگرگون کرده‌اند و این مذاکرات باید مستقل از تجربه‌های گذشته تحلیل شوند».

ساداتیان با بیان اینکه مقامات جمهوری اسلامی ایران اکنون تجربه کافی برای جلوگیری از غافلگیری‌های شوک‌آور مشابه جنگ ۱۲روزه دارند، افزود «باوجوداین، نباید فریب فضای مثبت شکننده را خورد. درحالی‌که خود را برای مذاکرات آماده می‌کنیم، خطر آغاز جنگ واقعی همواره وجود دارد و هیچ تضمینی نیست که این فرایند تنها به دیپلماسی ختم شود». به گفته این مفسر حوزه سیاست خارجی، «برای افزایش شانس موفقیت، حضور مستقیم استیو ویتکاف در دورهای بعدی ضروری است و ایران نیز باید مذاکرات را به طور متناوب در واشنگتن پیگیری کند تا چارچوبی متوازن و شفاف میان دو طرف ایجاد شود و از هرگونه سوءتفاهم یا مانع‌تراشی جلوگیری شود».

این استاد دانشگاه در ادامه تأکید کرد که «با وجود شکنندگی فضای کنونی، مذاکرات عمان توانسته فرصت دیپلماتیک مهمی ایجاد کند که هم می‌تواند به توافق ختم شود و هم در صورت بی‌توجهی به توصیه‌های لازم و اعمال فشارهای منطقه‌ای و خارجی، امکان رویارویی نظامی همچنان جدی باقی می‌ماند». از نگاه این کارشناس، «کلید موفقیت در این دور، ترکیب حسن نیت، آمادگی برای اقدامات مستقیم، و استفاده از ظرفیت‌های انسانی و دیپلماتیک باتجربه است تا این فرصت شکننده به نتیجه ملموس و پایدار تبدیل شود».

احمد بخشایش اردستانی: باید مراقب نقش مخرب اسرائیل بود

در ارزیابی دور تازه مذاکرات ایران و آمریکا در مسقط، احمد بخشایش‌اردستانی هم طی گپ‌وگفتش با «شرق»، نگاه مثبتی به نتایج اولیه این دور از گفت‌وگوها دارد و معتقد است که «این روند می‌تواند ادامه یابد و فرصت‌هایی برای پیشبرد دیپلماسی فراهم کند». به گفته نماینده مجلس دوازدهم، «حضور چهره‌های جدید آمریکایی در مسقط، ازجمله جارد کوشنر و فرمانده سنتکام، نشان می‌دهد که آمریکا مسیر کم‌هزینه دیپلماسی را انتخاب کرده و قصد ندارد از طریق تنش و فشار نظامی، روند گفت‌وگوها را مختل کند». عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس تأکید می‌کند که «این وضعیت نشانگر تمایل واشنگتن به استفاده حداکثری از فرصت‌های دیپلماتیک برای دستیابی به توافق است» و درعین‌حال هشدار می‌دهد که «نقش‌آفرینی مخرب اسرائیل همچنان یک تهدید بالقوه برای موفقیت مذاکرات به شمار می‌رود و ایران باید نهایت هوشمندی و دقت را برای مدیریت این چالش‌ها به کار گیرد».

این کارشناس به برخی اظهارنظرهای نمایندگان مجلس که احتمال شکست مذاکرات یا وقوع جنگ را مطرح کرده‌اند، نیز پاسخ می‌دهد و می‌گوید «این‌گونه پیش‌بینی‌ها صرفا برداشت شخصی افراد است و براساس داده‌ها و اطلاعات محدود هر فرد شکل گرفته و هیچ‌یک از آنها موضع رسمی کمیسیون امنیت ملی یا مجلس شورای اسلامی نیست». این استاد دانشگاه همچنین توضیح می‌دهد که «حضور جارد کوشنر و فرمانده سنتکام به معنای تهدید مستقیم علیه ایران نیست، بلکه بیشتر جنبه نمایش سیاسی دارد و هدف آمریکا، فشار و استفاده بهینه از فضا برای گرفتن امتیازات حداکثری است».

اردستانی در ادامه پیش‌بینی می‌کند که «این دور از مذاکرات نباید با پنج دور گذشته در عمان مقایسه شود، چراکه شرایط کاملا متفاوت است. ایران اکنون هوشیارتر است و امکان غافلگیری ندارد، ضمن آنکه آمریکا هم تجربه جنگ گذشته را تکرار نخواهد کرد و ترامپ به دنبال راهکار کم‌هزینه برای پیشبرد اهداف خود است». او با تأکید بر ضرورت بهره‌گیری از فرصت‌های دیپلماتیک، می‌گوید که «ادامه گفت‌وگوها می‌تواند به چارچوبی معنادار برای حل مسائل هسته‌ای منجر شود، اما موفقیت آن مستلزم دقت، هوشمندی و مدیریت همه تهدیدات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، ازجمله تلاش‌های اسرائیل برای نفوذ و اختلال در مسیر مذاکرات است».

به گفته بخشایش‌اردستانی، «روند مسقط اگرچه امیدبخش و مثبت ارزیابی می‌شود، اما شکننده است و ایران نباید گول فضای موقت مثبت را بخورد، بلکه باید با حفظ خط‌مشی روشن و اعتماد متقابل، روند را به سمت توافقی معقول و پایدار هدایت کند». این بهارستان‌نشین تأکید دارد که «اکنون فرصتی است تا دو طرف با احترام متقابل و تمرکز بر حقوق و منافع ملی ایران، مسیر دیپلماسی را ادامه دهند و دستاوردهای ملموس برای کشور به دست آورند، درحالی‌که حفظ آمادگی و هوشیاری در برابر هرگونه اقدام مخرب یا تحریک‌آمیز، لازمه تضمین موفقیت مذاکرات است».

خبر

فرمانده نیروی زمینی ارتش: نیروهای مسلح با قاطعیت از تمامیت ارضی کشور دفاع خواهند کرد

فرمانده نیروی زمینی ارتش گفت: نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با رهبری داهیانه فرمانده معظم کل قوا و پشتیبانی مردم، در هر زمان و مکان با قاطعیت از دین، انقلاب و تمامیت ارضی کشور دفاع خواهند کرد.

به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی ارتش، امیر سرتیپ علی جهانشاهی، فرمانده نیروی زمینی ارتش در همایش «یاد یاران» که با حضور پیشکسوتان هشت سال دفاع مقدس، خانواده‌های آنان و جمعی از مسئولان لشکری و کشوری در کرمان برگزار شد، با تبریک ایام‌الله دهه فجر و اعیاد شعبانیه، از مجاهدت‌ها و ایثارگری‌های رزمندگان و همسران آنان قدردانی کرد.

وی پیشکسوتان دفاع مقدس را «اسطوره‌های استقامت ملت ایران» دانست و گفت: آنچه امروز به‌عنوان اقتدار و امنیت کشور شاهد آن هستیم، حاصل سال‌ها مجاهدت، ایمان و ایثار رزمندگان و صبر و فداکاری خانواده‌های آنان به‌ویژه همسران رزمندگان است که در سخت‌ترین شرایط، بار سنگین مسئولیت خانواده را بر دوش کشیدند.

فرمانده نیروی زمینی ارتش با تأکید بر لزوم حفظ حرمت بازنشستگان نیروهای مسلح تصریح کرد: بر اساس منویات مقام معظم رهبری تکریم پیشکسوتان بر همه فرماندهان واجب است و باید بسترهای لازم برای رفاه، نشاط و حضور فعال بازنشستگان در کانون‌ها و مراکز فرهنگی و اجتماعی فراهم شود.

امیر سرتیپ جهانشاهی با اشاره به تقارن دهه فجر با ماه شعبان، انقلاب اسلامی را زمینه‌ساز ظهور حضرت ولی‌عصر (عج) دانست و گفت: امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری بارها تأکید کرده‌اند که انقلاب اسلامی حرکتی در مسیر تحقق عدالت جهانی و آمادگی برای ظهور است و حفظ امید، ایمان و وحدت ملی در این مسیر نقش کلیدی دارد.

وی با هشدار نسبت به جنگ شناختی دشمن افزود: دشمنان با ایجاد ناامیدی و تضعیف باورهای دینی و انقلابی به‌دنبال فروپاشی نظام و تجزیه کشور هستند، اما ملت ایران با هوشیاری و تکیه بر تجربه‌های گذشته، در برابر این توطئه‌ها ایستاده است.

فرمانده نیروی زمینی ارتش در پاسخ به سؤالی درباره وضعیت آمادگی دفاعی کشور اظهار کرد: نیروی زمینی محوری ارتش جمهوری اسلامی ایران با برخورداری از نیروی انسانی مجاهد، آموزش‌دیده و مجهز و با بهره‌گیری از درس‌آموخته‌های جنگ‌های اخیر، در حال نوسازی محتوای آموزشی، تاکتیک‌ها و تجهیزات خود است.

وی افزود: تجهیزات جدید نیروی زمینی بر چهار ویژگی «دقت‌زن، دورزن، شبکه‌پذیر و هوشمند» استوار است و استفاده از فناوری‌های نوپدید از جمله هوش مصنوعی و لیزر، در کنار تمرینات مستمر تاکتیکی، سطح آمادگی یگان‌ها را به‌طور چشمگیری ارتقا داده است.

امیر سرتیپ جهانشاهی در پایان خاطرنشان کرد: نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با رهبری داهیانه فرمانده معظم کل قوا و پشتیبانی مردم، در هر زمان و مکان با قاطعیت از دین، انقلاب و تمامیت ارضی کشور دفاع خواهند کرد.

یادداشت

ما قربانیان تاریخ نیستیم

ادامه از صفحه اول

کسانی که این را القا می‌کنند، عاملیت مردم را نفی می‌کنند تا آینده خودشان را به یک ملت تحمیل کنند. برای ساختن آینده ایران باید کنار یکدیگر باشیم. مردم یعنی آحاد مردم با هر تنوع زبانی و عقیدتی و طبقاتی، کنار یکدیگر بایستیم و تغییر وضعیت را با هر مشکل پیش‌رو آگاهانه طلب کنیم. سوابق تاریخیِ همه جریان‌هایی که به‌حق خواستارِ تغییر هستند، موجود است. شاید این حق ملتی باشد که بی‌اعتنا به سوابق تاریخیِ جریان‌ها تصمیم بگیرد، اما دیگر حق ندارد به کسانی که در گذشته تصمیم گرفته‌اند، خرده بگیرد.